

رمزارزها چشم‌انتظار سیاست

آیا زمان جهش بیت کوین فرارسیده است؟

صفحه ۶

نیاز اقتصاد ایران

بررسی حق امتناع از کار ناایمن در ایران

وقتی «نه» گفتن به خطر هزینه اخراج دارد

صفحه ۸

«تعادل» روند معاملات بازار سهام را در هفته‌ای که گذشت بررسی می‌کند

صعود بورس باریسک‌های سیاسی

بازار سهام در هفته‌ای که گذشت روندی مثبت داشت و توانست بر خلاف هفته‌های گذشته بازدهی مثبت و قابل توجهی در کارنامه خود به ثبت برساند، البته این بازدهی مطلوب در حالی است که شاخص حمایت از تولید، در آخرین روز کاری هفته، رخت سرخ بر تن کرد و شرایط خوبی نداشت. بارش رو معاملات در هفته‌های اخیر شاهد افزایش ورود نقدینگی و سبزپوشی بازار بودیم و بورس تهران توانست دو روز طلایی را پشت سر بگذارد و نسبت به هفته‌های اخیر خود حتی به نوعی ر کوردشکنی کند. این شرایط در حالی رخ می‌دهد که سایه تنش‌های سیاسی و جنگ‌روی کشور وجود دارد و احتمال می‌رود که بازار بر لحظه نسبت به این موضوع واکنش نشان دهد. **صفحه ۴ را بخوانید**

گلایه از کمبود گرانی؛ وعده صمت برای تأمین ارز و خدمات پس از فروش

دور وایت از بازار قطعات خودرو

تعادل | بازار قطعات یدکی خودرو و ماشین‌آلات در ماه‌های اخیر با کمبود کالا، رشد ۷۰ تا ۸۰ درصدی قیمت برخی اقلام، اختلال در ثبت سفارش، توقف محموله‌ها در گمرک و افزایش هزینه‌های حمل‌ونقل مواجه شده است. شرایطی که فعالان صنعتی نسبت به تداوم آن هشدار می‌دهند. در مقابل، وزارت صنعت، معدن و تجارت از اختصاص سهمیه ویژه ارزی برای تأمین قطعات خودروهای وارداتی، اولویت‌بندی بیش از ۲ هزار و ۵۷۰ کد تعرفه‌ای برای تأمین ارز و تلاش برای کاهش صف تخصیص ارز خبر داده و تأکید دارد اقدامات لازم برای... **صفحه ۷ را بخوانید**

یادداشت-۴

بازار سرمایه کشت عرصه اولیه سنگین راندارد

روند فعلی بازار سرمایه از منظر داده‌های عملیاتی و نسبت‌های ارزش‌گذاری، روندی مثبت و قابل دفاع ارزیابی می‌شود. آنچه در هفته‌ها و ماه‌های اخیر بیش از هر عامل دیگری به بهبود نگاه فعالان بازار کمک کرده، کیفیت بالای گزارش‌های منتشر شده از سوی شرکت‌ها بوده است.

گزارش‌های فصل بهار ۱۴۰۵ شرکت‌ها در مجموع فراتر از انتظارات ظاهر شد و نشان داد بخش مهمی از شرکت‌های بورسی همچنان از ظرفیت مناسب سودسازی برخوردار هستند.

همین عملکرد قوی سبب شد نسبت P/E گذشته‌نگر بازار که پیش‌تر در محدوده ۶.۷ واحد قرار داشت، تحت تأثیر رشد سودآوری شرکت‌ها تا ۵.۸ واحد کاهش پیدا کند. این افت در نسبت «پی‌برای» به روشنی نشان داد که بازار حتی با وجود فضای احتیاطی موجود، از منظر تحلیلی در سطوح ارزنده‌ای قرار گرفته بود. پس از آن، بارش قیمتی اخیر در بسیاری از نمادها و بهبود انتظارات نسبت به آینده سودآوری شرکت‌ها، نسبت قیمت به سود گذشته‌نگر باز مجدداً افزایش یافت و اکنون به بالای ۶ واحد یعنی محدوده ۶.۲ واحد رسیده است. از سوی دیگر، گزارش‌های تیرماه موفق‌تر خواهند بود که زودتر برای این گذار برنامهریزی کنند. با این حال، شرایط ایران با موانع ویژه‌ای ر روبه‌رو است. تحریم‌ها، محدودیت در دسترسی به منابع مالی خارجی، دشواری در انتقال فناوری و همچنین شرایط منطقه‌ای و جنگی، بر سرعت توسعه این بخش اثر گذاشته است. در چنین شرایطی، یکی از مسیرهای عملی، تقویت همکاری با کشورهای مانند چین برای واردات پمپ، تجهیزات و نیز تأمین مالی پروژه‌هاست. اگر این مسیر با برنامهریزی منسجم و حمایت داخلی همراه شود، می‌توان امیدوار بود که سهم انرژی خورشیدی در چند سال آینده به تدریج افزایش یابد. معقول‌ترین تصویر برای آینده برق ایران، نه حذف ان‌گانه‌ی نیروگاه‌های حرارتی، بلکه بازآرایی تدریجی سبد انرژی است. ایران در کوتاه‌مدت همچنان ناچار است اتکال اصلی خود را بر نیروگاه‌های حرارتی حفظ کند، اما هم‌زمان باید سهم انرژی خورشیدی، بادی و دیگر تجدیدپذیرها را به صورت پیوسته بالا ببرد. اگر در یک افق چندساله، سهم خورشیدی از سطوح فعلی به حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد برسد، می‌توان آن را یک پیشرفت مهم و واقعی دانست. **ادامه در صفحه ۲**

یادداشت-۳

باید بپذیریم که اقتصاد ایران دیگر صرفاً با فرمول‌های کتاب‌های اقتصاد کلاسیک در مان نمی‌شود. راه‌حل امروز ما دیگر اقتصادی نیست، بلکه مسائل سیاسی و راهبردی است. ما نیازمند رسیدن به این نقطه تصمیم‌گیری شجاعانه هستیم که اگر می‌خواهیم این ریسک‌های فرساینده هر سال تکرار نشوند، باید یکبار برای همیشه این بار سنگین را از روی دوش اقتصاد برداریم. هر ذی‌نفع، نهاد یا گروهی که در ساختار قدرت حضور دارد، باید به این درک مشترک برسد که غایت نهایی باید حذف این ریسک‌های کلان باشد تا فضا برای تنفس بخش خصوصی و دولتی فراهم شود. در بخش راهکارهای حمایتی کوتاه‌مدت، دولت طرح‌هایی مانند کالابریگ الکترونیک را اجرا کرد که در ابتدا تا حدودی توانست شوک‌های اولیه را مهار کند. اما نکته اینجاست که چنین طرح‌هایی در یک محیط تورمی، به سرعت خاصیت خود را از دست می‌دهند. اگر کالابریگ بخواهد واقعاً نقش حمایتی ایفا کند، مبلغ ریالی آن باید دقیقاً و به صورت ماهانه با نرخ تورم نقطه به نقطه کالاهای اساسی رشد کند. اما انجام این کار نیز محدودیت‌های بودجه‌ای بزرگی دارد و نیازمند انضباط مالی شدید در سایر بخش‌هاست. مشکل اساسی اینجاست که ما در بسیاری از حوزه‌هایی که اولویت حیاتی برای زندگی روزمره مردم ندارند، هزینه‌های گزافی انجام می‌دهیم، اما وقتی به «کالری عمومی» و سبب غذایی مردم می‌رسیم، با کمبود منابع مواجه می‌شویم. با طولانی‌تر شدن شرایط جنگی و تنش‌های منطقه‌ای، حتی طرح‌های استاندارد مثل کالابریگ هم قدرت اثرگذاری خود را از دست می‌دهند مگر اینکه جراحی عمیقی در نحوه تخصیص منابع صورت بگیرد. واقعیت این است که اقتصاد ایران بیش از هر زمان دیگری تشنه ثبات است و این ثبات تنها زمانی بازمی‌گردد که سیاست در خدمت اقتصاد قرار گیرد، نه اینکه اقتصاد به گروگان تنش‌های بی‌پایان سیاسی درآید.

آیا رانت همچنان بزرگ‌ترین مانع تولید و معیشت است؟

معمای عدالت اقتصادی در ایران

عدالت اقتصادی طی دهه‌های گذشته یکی از اصلی‌ترین اهداف سیاست‌گذاری در ایران بوده است. تقریباً همه دولت‌ها، برنامه‌های توسعه و اسناد بالادستی بر کاهش نابرابری، مبارزه با رانت، حمایت از تولید و توزیع عادلانه منابع تأکید کرده‌اند، اما فاصله میان اهداف اعلام‌شده و واقعیت‌های اقتصاد ایران همچنان قابل توجه است. در



یادداشت-۲

نشان می‌دهد که موفقیت این سیاست‌ها بیش از آنکه به اصل پرداخت یارانه یا کالابریگ وابسته باشد، به پایداری منابع مالی، کیفیت اجرا و توان دولت در مهار تورم بستگی دارد. اگر ارزش حمایت‌های معیشتی ثابت بماند اما تورم با سرعت بیشتری افزایش یابد، قدرت خرید خانوارها به تدریج کاهش پیدا می‌کند و اثر اولیه این سیاست‌ها از بین می‌رود. ممکن است کالابریگ یا یارانه در کوتاه‌مدت بخشی از فشار ناشی از افزایش قیمت‌ها را جبران کند، اما در صورت تداوم تورم، این فاصله دوباره ایجاد خواهد شد. در همین چارچوب، باید نگاه دقیق‌تری نیز به مفهوم «رانت» داشت. راندهای اقتصادی، رانت همواره مفهومی منفی نیست. بسیاری از سیاست‌های حمایتی دولت‌ها از ابزارهایی مانند یارانه، کالابریگ، کنترل قیمت‌ها و دولت در چنین شرایطی نه تنها با مبانی اقتصادی در تعارض نیست، بلکه در بسیاری از اقتصادهای مبتنی بر بازار نیز به عنوان یک سیاست پذیرفته شده اجرامی‌شود. در شرایط کنونی اقتصاد ایران نیز حمایت از اقشار آسیب‌پذیر ضروری انکار ناپذیر است. با این حال، تجربه



مرتضی افقه

یادداشت-۳



محمّدحسین دیندبان

شده و فشار بر بخش خانگی و تولیدی نشان می‌دهد. در چنین وضعیتی، توسعه انرژی خورشیدی از سوی دولت به عنوان یکی از راهکارهای مهم جبران ناترازی برق مطرح شده، اما واقعیت این است که این مسیر، هر چند ضروری و آینده‌دار است، اما در کوتاه‌مدت به تنهایی قادر به حل کامل بحران نیست. ایران از نظر جغرافیایی و اقلیمی، یکی از کشورهای برخوردار از ظرفیت بالای تابش خورشید است و به همین دلیل، سرمایه‌گذاری در حوزه نیروگاه‌های خورشیدی در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است. دولت نیز تلاش کرده با توسعه این بخش، بخشی از کمبود برق کشور را جبران کند. با این حال، پرسش اصلی این است که آیا انرژی خورشیدی می‌تواند در شرایط فعلی، سهم قابل توجهی در رفع ناترازی برق ایفا کند یا خیر؟ واقع آن است که توسعه انرژی خورشیدی در ایران آغاز شده و اکنون نیز در حال انجام است، اما مقیاس آن هنوز با نیاز واقعی کشور فاصله دارد. نیروگاه‌های حرارتی و سبک‌تر کبیبی که ستون فقرات شبکه برق ایران را تشکیل می‌دهند، معمولاً در مقیاس

سامانه پیامکی روزنامه تعادل

به شماره ۳۲۰۵۳۰۰۰ در دسترس شماست

مخاطبان عزیز می‌توانند نظرها، انتقادات و پیشنهادهای خود در مورد مطالب مختلف روزنامه را با ذکر جزئیات به این سامانه پیامک نمایند.

زمانی که یارانه اثر بخش می‌شود

توسعه یافته یا پرداخت یارانه به گروه‌های آسیب‌پذیر، نوعی امتیاز اقتصادی است که با اهداف توسعه‌ای و اجتماعی اعطا می‌شود. مساله زمانی آغاز می‌شود که این امتیازها از مسیر اصلی خود منحرف شوند و به جای تحقق اهداف عمومی، در اختیار گروه‌های خاص قرار گیرند یا زمینه سوءاستفاده را فراهم کنند. در چنین شرایطی، به جای اصلاح سازوکارهای نظارتی و برخورد با سوءاستفاده‌کنندگان، گاه سیاست‌هایی اتخاذ می‌شود که هزینه آن را همه مردم می‌پردازند؛ رویکردی که نه تنها به کاهش نابرابری کمک نمی‌کند، بلکه فشار بیشتری بر معیشت خانوارها وارد می‌سازد.

تجربه کشورهای اسکاندیناوی نیز نشان می‌دهد که موفقیت سیاست‌های حمایتی تنها به پرداخت یارانه محدود نمی‌شود. این کشورها از یکسوم منابع مالی لازم را به طریق اقتصاد مولد و نظام مالیاتی کارآمد تأمین می‌کنند

یادداشت-۱

سهم خورشید در نجات برق ایران

تایستان کمک کند. ترکیب فعلی تولید برق در ایران بر خوبی نشان می‌دهد که اتکال اصلی کشور همچنان بر نیروگاه‌های حرارتی است. امروز حدود ۹۰ درصد برق ایران از نیروگاه‌های حرارتی تأمین می‌شود، حدود ۷ تا ۸ درصد از بقیه و سهم سایر منابع از جمله خورشیدی و تجدیدپذیرها هنوز محدود است. این در حالی است که در بسیاری از کشورهای جهان، حرکت به سمت متنوع‌سازی سبد انرژی با سرعت بیشتری دنبال می‌شود. برای نمونه، برخی اقتصادهای بزرگ مانند آلمان تلاش کرده‌اند سهم انرژی‌های تجدیدپذیر را به شکل معناداری افزایش دهند و هم‌زمان وابستگی به سوخت‌های فسیلی را کاهش دهند. این روند جهانی یک پیام روشن دارد: آینده تولید برق در جهان، آینده‌ای متکی بر تنوع منابع و افزایش سهم تجدیدپذیرهاست. ایران نیز ناگزیر باید در همین مسیر حرکت کند. اما تفاوت مهم اینجاست که حرکت به سمت انرژی خورشیدی، برخلاف برخی تصورها، یک مسیر سریع و کم‌هزینه نیست. ساخت نیروگاه‌های خورشیدی، توسعه زیرساخت اتصال به شبکه، تأمین تجهیزات، سرمایه‌گذاری ارزی و ریالی و همچنین ایجاد مدل اقتصادی پایدار برای بازگشت سرمایه، همگی نیازمند زمان، ثبات سیاسی و منابع مالی قابل اتکا هستند. برخی کشورها مانند چین و عربستان، به دلیل برخورداری از زمین‌های وسیع و برنامهریزی متمرکز، پروژه‌های بزرگ خورشیدی را با شتاب بیشتری دنبال می‌کنند. چین در سال‌های اخیر سرمایه‌گذاری

